

بازآفرینی هویت فرهنگی قومی در میان مردم عرب خوزستان

سید معین موسوی سرشت^۱ و دکتر اسداله بابایی فرد^۲

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۵/۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۱۱

چکیده:

بررسی مسائل فرهنگی در جوامع چندقومی و چندفرهنگی برای کاستن از واگرایی‌هایی فرهنگی و تحقق همبستگی اجتماعی یک ضرورت است. با توجه به بروز برخی واگرایی‌های قومی در ایران معاصر، بررسی چنین پدیده‌ای در بستر جامعه ایران ضرورت ویژه‌ای دارد. هویت فرهنگی قومی مردم عرب استان خوزستان دارای ویژگی‌هایی از خاص‌گرایی و عام‌گرایی فرهنگی بوده و امروزه به نوعی دچار بازآفرینی شده است. در این پژوهش به منظور شناسایی ابعاد این بازآفرینی هویتی با ۲۰ نفر از کارشناسان حوزه هویت فرهنگی مردم عرب استان خوزستان مصاحبه انجام شد. در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی بر اساس تحلیل مضمون استفاده شده است. به‌طور کلی، یافته‌های پژوهش حول برخی از مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر بازآفرینی هویت قومی در میان مردم عرب استان خوزستان شامل: ضعف کارکردی نهادهای مدنی، کاهش سیطره فرهنگی حکومت مرکزی، توربسم فرهنگی، پذیرش بیشتر تکثر فرهنگی، برنامه‌های کانال‌های تلویزیونی محلی (عربی) سازمان صدا و سیما، رشد سرمایه فرهنگی، تحرک اجتماعی، احساس محرومیت نسبی و بی‌توجهی نظام سیاسی به هویت‌های فرهنگی قومی در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی هستند. این متغیرها حاکی از وجود چهار بعد کنشی بازآفرینانه در جامعه مورد بررسی است: «تغییر»، «نوآوری»، «بازآوری» در مؤلفه‌های هویت قومی و تشدید «واگرایی» و تقابل با فرهنگ رسمی و غالب در جامعه.

مفاهیم کلیدی: هویت فرهنگی، بازآفرینی هویتی، جهانی‌شدن، احساس محرومیت نسبی، اعراب خوزستان

^۱ کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران s.moein.musavi@gmail.com

^۲ دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده‌ی مسئول)

babaiefardm@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

برداشتی جامع از مفهوم هویت فرهنگی شامل مؤلفه‌هایی است که از عضویت در گروه‌های متعدد قابل دسته‌بندی در شش موضوع نشأت می‌گیرند: گروه وابسته به شغل (شامل رشته‌ی شغلی، سازمانی که فرد در آن مشغول به کار است و غیره)، طبقه (طبقه‌ی اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و ...)، جغرافیا (ملیت، محل سکونت یا اقامت و ...)، فلسفه و بینش (هویت مذهبی، هویت سیاسی و ...)، زبان (زبان مادری، گویش و ...) و در نهایت خصیصه‌های زیست‌شناختی و جنبه‌های فرهنگی شامل نژاد، قومیت، جنسیت، گرایش جنسی، سن و ... (جیمسون، ۲۰۰۷). در واقع هر فرد می‌تواند هم‌زمان به گروه‌های متعدد فرهنگی تعلق داشته باشد و نمادها، رفتارها و اجزای متفاوت این هویت‌های فرهنگی را در میادین مختلف اجتماعی پس از تطبیق، به کار بندد. به همین دلیل فرهنگ، بخش مهمی از خودانگاره‌ی^۱ افراد است که به واسطه‌ی زمان و تجربه تغییر نیز می‌کند. هویت فرهنگی محلی، پس از گسترش زمینه‌ها و ابزارهای ارتباطی و تکنولوژیک از دید جامعه‌شناسان و کارشناسان مطالعات فرهنگی، در حوزه‌ی تأثیرات متقابل با سایر فرهنگ‌ها، در پژوهش‌های متعدد مورد توجه و مذاقه‌ی بیشتر قرار گرفته است (از جمله: گازل ماکاروا^۲، ۲۰۱۹؛ یولیا استریژاکوا^۳ و روبین کولتر^۴، ۲۰۱۹؛ دنگ ژنگلای^۵، ۲۰۱۱؛ دارلن دروموند^۶ و مارک اورب^۷، ۲۰۱۰). در میان پژوهش‌گران داخلی نیز مساله‌ی بازآفرینی هویت‌های محلی در پژوهش‌های متعدد مورد توجه بوده است (از جمله: زندیه و خانیکی، ۱۳۹۸؛ دلفیه، ۱۳۹۴؛ جعفرزاده و حیدری، ۱۳۹۳؛ اکوانی، ۱۳۷۳؛ پورزیتانی، ۱۳۸۸؛ دمدام، ۱۳۹۱؛ حیدری و شاوردی، ۱۳۹۲؛ بابایی‌فرد، ۱۳۹۳). پژوهش‌ها حاکی از آن هستند که عناصر هویت‌های فرهنگی محلی و قومی، علی‌رغم توسعه‌ی شهرها، شکل‌گیری و تقویت دولت ملت‌ها، پیشرفت‌های تکنولوژیک و ارتباطی (برخلاف انتظارات)، طی فرآیند بازآفرینی، ضمن برخورداری از تغییرات و نوسازی‌ها، به شکلی جدید تقویت شده و همچنان نقش مهمی در حیات انسانی - اجتماعی ما ایفا می‌کنند.

هویت فرهنگی مردم عرب استان خوزستان به واسطه‌ی ملیت ایرانی، حافظه‌ی

¹ Self-Concept

² Guzel I. Makarova

³ Yuliya Strizhakova

⁴ Robin Coulter

⁵ Zhenglai Deng

⁶ Darlene K. Drummond

⁷ Mark P. Orbe

تاریخی، هویت مذهبی و سایر حوزه‌های هویتی مهم دارای اشتراکات متعدد با هویت فرهنگی سایر ایرانیان است، اما آنچه آنان را متمایز می‌سازد، هویت فرهنگی مبتنی به قومیت عرب ایرانی بوده که منجر به منحصر به فرد نمودن چشم‌انداز فرهنگی^۱ آنان می‌گردد. نظریه‌پردازان در حوزه‌ی هویت فرهنگی، قائل به لایه‌های متعدد برای آن هستند و معتقدند برای افراد مختلف، تحت شرایط به‌خصوص، امکان پررنگ شدن و در اولویت قرار گرفتن لایه‌هایی از هویت فرهنگی وجود دارد. کولیر^۲ و توماس^۳ (۱۹۸۸)، از جمله‌ی این نظریه‌پردازان هستند که ملیت، قومیت، جنسیت و نژاد را به‌عنوان جنبه‌های هویتی پویایی معرفی می‌کنند که بر اساس آنچه بعدها هتچ^۴ و همکاران (۱۹۹۳)، نتیجه می‌گیرند، این جنبه‌های مختلف هویتی، در موقعیت‌های متعدد با یکدیگر برای تقدم بیشتر نسبت به دیگری به رقابت می‌پردازند.

در این پژوهش با تکیه بر همین دیدگاه لایه‌ای از هویت فرهنگی، نقش برخی عوامل مؤثر در بازآفرینی هویت فرهنگی - قومی مردم عرب استان خوزستان مورد شناسایی قرار گرفته است. اصطلاح بازآفرینی هویت فرهنگی - قومی^۵ در این پژوهش، به وضعیتی فرهنگی اشاره دارد که افراد متعلق به هویت قومی، در تعامل با فرهنگ غالب (ملی و جهانی)، از عام‌گرایی افراطی و خاص‌گرایی افراطی فاصله گرفته و الگوی کنشی آنان در مرز میان عام‌گرایی و خاص‌گرایی فرهنگی قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که مؤلفه‌های هویت فرهنگی آنان دست‌خوش بازآوری، حذف، تغییر و نیز نوآوری می‌شود. در این پژوهش، ضعف کارکردی نهادهای مدنی و کاهش سیطره‌ی فرهنگی حکومت مرکزی، توربسم فرهنگی در ایران و قوت گرفتن تعاملات فرهنگی با کشور عراق پس از سقوط رژیم بعثی، پذیرش بیشتر تکثر فرهنگی و هویت‌های قومی از سوی فرهنگ غالب جامعه، رشد سرمایه‌ی فرهنگی و تحرک اجتماعی زنان و مردان عرب ایرانی، احساس محرومیت نسبی در میان مردم عرب استان خوزستان، بی‌توجهی نظام سیاسی به هویت‌های فرهنگی قومی در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی کلان و خرد و در نهایت متغیر برنامه‌های کانال‌های تلویزیونی محلی (عربی) سازمان صدا و سیما به‌عنوان عوامل مهم تأثیرگذار در بازآفرینی

¹ cultural perspective

² Mary Jane Collier

³ Milt Thomas

⁴ Michael L. Hecht

⁵ recreation of cultural-ethnic identity

هویت فرهنگی - قومی مردم عرب استان خوزستان مورد واکاوی قرار گرفته‌اند، تا بر این اساس، جنبه‌های بازآفرینانه‌ی هویت فرهنگی قومی مردم عرب استان خوزستان مورد شناسایی بیشتر قرار گیرند. متغیرهای مورد مطالعه حول موضوع بازآفرینی هویت فرهنگی قومی مردم عرب استان خوزستان که در بالا ذکر شده‌اند، بر اساس مشاهدات میدانی و مشارکتی صورت گرفته توسط پژوهش‌گران، نتایج و یافته‌های پژوهش‌های پیشین و نیز با تکیه بر برخی مفاهیم نظری فرهنگی و اجتماعی، به‌عنوان مبنایی در طراحی مصاحبه‌های «نیمه‌ساخت‌یافته»، با ۲۰ نفر از کارشناسان و فعالان حوزه‌ی فرهنگی و اجتماعی مردم عرب استان خوزستان قرار گرفته است. در نهایت به کمک تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام شده، به بررسی ماهیت این بازآفرینی فرهنگی و استخراج مقولات مرتبط با آن اقدام شده است.

جنبش‌های جدایی‌طلبانه‌ی معاصر، اهمیت استراتژیک به دلیل موقعیت مرزی و ارتباطات گسترده به‌ویژه از طریق دسترسی به آب‌های بین‌المللی، وقوع هشت سال جنگ تحمیلی و در نتیجه‌ی آن محرومیت و توسعه‌نیافتگی، به‌ویژه در مناطق جنگی، وجود ذخایر عظیم نفت و گاز، جوان بودن جمعیت استان خوزستان و وجود معضلاتی مانند بیکاری، همسایگی با کشورهای دارای زمینه‌های مشترک هویت فرهنگی - قومی، گسترش امکانات در زمینه‌ی ارتباطات نوین در سطح شهرستان‌ها و روستاهای استان و دسترسی آسان به شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ماهواره‌ای در کنار فعالیت رسانه‌ای تجزیه‌طلبانه‌ی مهاجر، موضوع این پژوهش را حائز اهمیت می‌سازد. با این توصیف، انجام این پژوهش با اهداف و پرسش‌های مشخص شده، از بعد عملی و کاربردی، می‌تواند یک ارزیابی علمی از وضعیت هویت فرهنگی قومی بازآفرینی شده‌ی مردم عرب استان خوزستان ارائه نموده و علاوه بر بررسی ویژگی‌های آن، زمینه‌های این بازآفرینی را مورد بررسی و واکاوی قرار داده، و در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی محلی - ملی و رفع چالش‌های هویتی مؤثر واقع گردد.

پرسش‌های پژوهش

پرسش‌های اصلی

۱- آیا استفاده از اصطلاح بازآفرینی هویتی، قابلیت توصیف کنش فرهنگی حال حاضر مردم عرب استان خوزستان را دارد؟

۲- در این صورت، این بازآفرینی هویتی مبتنی بر قومیت، بر چه مقولات و ویژگی‌هایی استوار است؟

پرسش‌های فرعی

- ۱- ضعف کارکردی نهادهای مدنی و کاهش سیطره‌ی فرهنگی حکومت مرکزی چه نقشی در بازآفرینی هویت فرهنگی - قومی مردم عرب استان خوزستان دارد؟
- ۲- توریسم فرهنگی در ایران و قوت گرفتن تعاملات فرهنگی با کشور عراق پس از سقوط رژیم بعث در این کشور چه نقشی در بازآفرینی هویت فرهنگی - قومی مردم عرب استان خوزستان دارد؟
- ۳- پذیرش بیشتر تکثر فرهنگی از سوی فرهنگ غالب جامعه چه نقشی در بازآفرینی هویت فرهنگی - قومی مردم عرب استان خوزستان دارد؟
- ۴- سرمایه‌ی فرهنگی و تحرک اجتماعی نزد زنان و مردان عرب در ایران چه نقشی در بازآفرینی هویت فرهنگی - قومی مردم عرب استان خوزستان دارد؟
- ۵- کانال‌ها و برنامه‌های تلویزیونی محلی (عربی) سازمان صدا و سیما چه نقشی در بازآفرینی هویت فرهنگی قومی مردم عرب استان خوزستان دارد؟
- ۶- احساس محرومیت نسبی در میان مردم عرب استان خوزستان چه نقشی در بازآفرینی هویت فرهنگی قومی در آنان دارد؟
- ۷- بی‌توجهی نظام سیاسی به هویت‌های فرهنگی قومی در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی کلان و خرد چه نقشی در بازآفرینی هویت فرهنگی قومی مردم عرب استان خوزستان دارد؟

هدف اصلی پژوهش

هدف اصلی پژوهش، شناخت ابعاد، ویژگی‌ها و جنبه‌های مختلف الگوی بازآفرینی هویت فرهنگی قومی، در میان مردم عرب استان خوزستان است.

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

اکوانی (۱۳۷۸)، در مقاله‌ی گرایش به هویت ملی و قومی در عرب‌های خوزستان به بررسی میزان گرایش به هویت ملی و قومی اعراب این استان می‌پردازد. وی تمام اعراب

بالای هجده سال و دست کم دیپلم هفت شهر اهواز، آبادان، خرمشهر، سوسنگرد، شادگان، ملائانی و اروندکنار را به عنوان جامعه‌ی آماری پژوهش خویش در نظر می‌گیرد. نتایج نشان می‌دهد که: عرب‌ها نه تنها گرایش زیادی به هویت ایرانی و اسلامی دارند، بلکه به هویت قومی خود نیز علاقه دارند و علاقه به هویت قومی آنان باعث کاهش گرایش به هویت ملی نمی‌شود. ضمن آنکه نویسنده منشأ برخی ناهمگرایی‌ها را در بررسی شاخص‌های عینی، همچون مشکلات اقتصادی و اجتماعی و به تبع آن «احساس محرومیت نسبی»، ارتباط می‌دهد، نه در مؤلفه‌های ذهنی و تمایزگرایانه.

پورزیتانی (۱۳۸۸)، در پایان‌نامه‌ی بررسی هویت جمعی غالب در بین اعراب خوزستان، با انتخاب جامعه‌ی آماری ۴۳۶ نفره از میان اعراب دارای بیشتر از ۱۸ سال سن و ساکنین شهرستان‌های اهواز، امیدیه و رامشیر، با استفاده از روش پیمایشی و ابزار پرسش‌نامه، نتیجه می‌گیرد که هر اندازه اصالت قومی افراد بیشتر باشد، گرایش بیشتری به هویت‌های خاص به‌ویژه هویت قومی، دارند، هر چه گستره‌ی تعاملات اجتماعی افراد بیشتر باشد، گرایش به هویت‌های جمعی‌عام به‌ویژه هویت ملی بیشتر است، هر چه میزان احساس تبعیض در بین مخاطبان بیشتر بوده است، گرایش به هویت‌های جمعی خاص، به‌ویژه هویت قومی، بیشتر شده است؛ هر چه میزان احساس محرومیت نسبی در میان آنان بیشتر بوده، گرایش به هویت‌های جمعی، و به‌طور خاص هویت قومی، بیشتر بوده است. همچنین، افزایش میزان رضایت از عملکرد دولت، موجب گرایش بیشتر به هویت‌های عام و افزایش میزان پیوستگی افراد با گروه‌های نخستین، موجب گرایش بیشتر آنان به هویت‌های خاص ارزیابی شده است.

قنبری برزیان و همکاران (۱۳۹۱)، در مقاله‌ی پذیرش ارزش‌های جهانی در میان ایرانیان ایرانیان عرب زبان (اعراب خوزستان)، با انتخاب جامعه‌ی آماری ۵۶۰ نفره از مردم ۱۸ تا ۶۵ ساله‌ی عرب شهرستان اهواز، با استفاده از رویکرد کمی و ابزار پرسش‌نامه به این نتیجه رسیده‌اند که آن دسته از ارزش‌های جهانی مورد پذیرش مردم عرب استان خوزستان قرار گرفته است که دربردارنده‌ی فرصت‌های برابر اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است، به این معنا که هر چه میزان احساس محرومیت از فرصت‌های برابر اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و امکانات ملی بیشتر باشد، گرایش به هویت‌یابی‌های قومی نیز بیشتر است، و بالعکس، هر چه میزان احساس محرومیت از فرصت‌های برابر اجتماعی فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و امکانات ملی کمتر باشد، گرایش به هویت‌یابی‌های قومی نیز کمتر است. نتایج این تحقیق نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که ارزش‌های جهانی تأثیر

مثبتی در تقویت هویت‌یابی‌های قومی و در تقابل با هویت ملی در جامعه‌ی مورد مطالعه داشته است.

جعفرزاده‌پور و حیدری (۱۳۹۳)، در فراتحلیل رابطه‌ی هویت ملی و هویت قومی در ایران، ضمن بررسی ۲۷ پژوهش که در قالب پایان‌نامه و مقاله در دهه‌ی ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ انجام شده‌اند نتیجه گرفته‌اند که تنها پژوهش‌هایی رابطه‌ی هویت ملی و قومی را معکوس نشان می‌دهند که از روش کمی استفاده نموده‌اند. در واقع ۴۱/۲ درصد از تحقیقاتی که از روش پیمایش استفاده کرده‌اند و ۵۰ درصد پژوهش‌هایی که از روش ترکیبی بهره گرفته‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه‌ی هویت قومی و هویت ملی رابطه‌ای معکوس و واگراست. آن‌ها در ادامه روش‌های پوزیتیویستی را با توجه به اینکه داده‌های کیفی را به اعداد ریاضی تقلیل داده و علل و تفسیر اطلاعات را ارائه نمی‌کنند، دچار این مسئله می‌دانند که پژوهش‌گران را در تفسیر داده‌های کیفی دچار اشتباه کرده و تصویر نادرست و گاه معکوسی از واقعیت ارائه می‌کنند. آن‌ها در می‌یابند که مطالعات موضوع هویت قومی در میان قوم عرب و مطالعات چند قومیتی بیشترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین، بررسی نتایج در خصوص رابطه‌ی هویت قومی و ملی به تفکیک قومیت‌ها، مرتبط با قوم عرب نشان داده که هویت قومی و ملی رابطه‌ی معکوس با یکدیگر دارند. به عبارت دیگر، با افزایش هویت قومی اعراب، میزان هویت ملی آن‌ها کاهش پیدا می‌کند. درصد این واگرایی در میان اعراب دارای بیش‌ترین مقدار نسبت به سایر اقوام بوده است (۴۰ درصد). همچنین، حدود نیمی از پژوهش‌های تحلیل شده نشان می‌دهند که رابطه‌ی بین هویت قومی و ملی واگرا است. در مطالعاتی که رابطه‌ی هویت قومی و هویت ملی معکوس گزارش شده «احساس بی‌قدرتی»، «احساس محرومیت نسبی»، «تعارضات سیاسی» و گاه «عوامل اقتصادی» از متغیرهای تأثیرگذار و مورد سنجش بوده‌اند. چنین متغیرهایی در مطالعاتی که رابطه را همگرا گزارش کرده‌اند، مورد سنجش قرار نگرفته‌اند. در انتهای این فراتحلیل، نویسندگان این یافته‌ها را در راستای تأیید نظریه‌ی استعمار داخلی^۱ و کنش متقابل نمادین^۲ ارزیابی می‌کنند.

آن‌گونه که در این بخش از پژوهش بررسی شد، پژوهش‌های خارجی که به‌طور مشخص در خصوص هویت فرهنگی قومی مردم عرب استان خوزستان صورت گرفته باشد و یا به آن مرتبط باشد، یافت نشد. همچنین، چنین پژوهشی در داخل کشور نیز به ندرت

^۱ internal colonialism theory

^۲ symbolic interactionist theory

صورت پذیرفته است. اما در بررسی آن‌ها، به اهمیت روابط بینابینی هویت فرهنگی قومی (یا اقلیت) و هویت فرهنگی فرادست (یا اکثریت)، در جوامع مختلف پی می‌بریم که همواره مسأله‌ی پژوهش‌گران بوده است. این پژوهش‌گران علاقه‌مند بوده‌اند تا نشانگان استحاله یا درهم‌آمیختگی و نیز بازآفرینی این هویت‌های فرهنگی قومی اقلیت را در تعامل با فرهنگ غالب مورد شناسایی قرار دهند. آن‌ها بر کشف و فهم چگونگی تشکیل شیوه‌های خلاقه‌ای تمرکز دارند که ضمن ایجاد هویت ارتباطی اشتراکی، به حفظ تفاوت‌ها و مؤلفه‌های هویتی گروه اقلیت انجامیده است. از این‌رو با پژوهش حاضر، از نظر قرار گرفتن در یک فضای فکری، مشترک هستند.

در میان پژوهش‌های داخلی که پیش از این گزارش شدند، دو دسته متفاوت وجود دارند. دسته‌ای که به‌طور ویژه به بررسی هویت قومی مردم عرب استان خوزستان پرداخته‌اند و دسته‌ی دیگر که به مسأله‌ی قومیت و یا سایر اقوام در ایران پرداخته‌اند. برآیند نتایج پژوهش‌های مذکور آن است که رابطه و منافع هویت ملی و هویت قومی در ایران به جهت ماهیت، در تعارض نسبی و به سمت واگرایی است. هر چند نشانگان هم‌گرایی نسبی را نیز به‌دست آورده‌اند. این پژوهش‌گران به‌طور نسبی در مطالعه‌ی هویت قومی و مؤلفه‌های آن، روش‌های کیفی را به جهت قرابت بیشتر نتایج با واقعیت، نسبت به روش‌های کمی، ارجح می‌دانند (علی‌رغم آن‌که از رویکردهای کمی نیز بهره برده باشند)، و گاه به اهمیت و ضرورت کاربست روش‌های ترکیبی در فهم بهتر ابعاد این موضوع اشاره دارند. این پژوهش‌گران تعامل اقوام و به‌ویژه قوم عرب خوزستان با ارزش‌های جهانی را مثبت ارزیابی کرده، هر چند پذیرش آن را مشروط به حفظ ارزش‌های قومی و سنتی ارزیابی می‌کنند. اکثریت پژوهش‌گرانی که به هویت قومی مردم قوم عرب خوزستان پرداخته‌اند، میان هویت قومی و هویت ملی‌شان، رابطه‌ای واگرایانه را مورد شناسایی قرار داده‌اند که بیش از هر چیز تحت تأثیر متغیر احساس محرومیت نسبی است. این متغیر در پژوهش حاضر نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

ب) تحقیقات خارجی

دنگ ژنگلای (۲۰۱۱)، در گزارش جهانی شدن و بومی‌گرایی، اشاره می‌کند که در پاسخ و نتیجه‌ی جهانی‌سازی (یا به تعبیر نویسنده: آمریکایی‌سازی^۱) شاهد ظهور نوعی

^۱ americanization

پویا از نسبیت‌گرایی فرهنگی^۱ هستیم که منجر به تمایلات بیش‌تر برای بهبود، احیا و بازسازی هویت فرهنگی محلی می‌گردد. وی به پژوهش‌ها حول افراد متعلق به گروه قومی «هان» اشاره می‌کند که علی‌رغم زندگی در شهرها، علاقه‌مند به تهیه‌ی شجره‌نامه‌های نژادی خود و علنی ساختن ارتباط خود با مؤلفه‌های متعلق به نژاد و تبار «هان» هستند (گوگینگ^۲، ۱۹۹۰). نویسنده هم‌چنین توجه به توریسم فرهنگی^۳ به‌عنوان بخشی مهم از صنعت توریسم در میان مردم هان (به‌دلیل درآمدزا بودن) که منجر به تولید و بازتولید فرهنگی^۴ می‌شود را در بازآفرینی هویت فرهنگی آنان بی‌تاثیر نمی‌داند (دنگ ژنگلای، ۲۰۱۱: ۲۰۵-۲۲۴).

هلن نویل^۵ و همکارانش (۲۰۱۴)، در پژوهش ابعاد احساس تعلق به جنبه‌های هویت فرهنگی قومی و نژادی در بررسی بومیان استرالیا، ضمن انجام مصاحبه‌های فردی از گروهی متمرکز شامل ۱۹ نفر از بومیان سیاه و سفید استرالیایی، بر این فرض تکیه می‌کنند که علی‌رغم تفاوت هویت‌های فرهنگی قومی با یکدیگر، می‌توان جنبه‌های اصلی هویتی را یافت که برای همه‌ی جوامعی که چالش‌های نژادی و قومی در آن‌ها وجود دارد، کاربرد داشته باشد. بنابراین، آن‌ها با بررسی این جنبه‌ها و ویژگی‌های فرهنگی، در تلاش‌اند تا پدیده‌های قابل تعمیم‌تر در حوزه‌ی هویت فرهنگی قومی را کشف نمایند.

مفاهیم و مبانی نظری پژوهش

در این پژوهش، رویکرد کنش متقابل نمادین^۶ و هویت، رویکرد برجستگی هویت^۷، رویکرد هویت اجتماعی^۸، رویکرد هویت در عصر پست‌مدرن^۹، نظریه‌ی مدیریت هویت^{۱۰}، نظریه‌ی قرارداد فرهنگی^{۱۱} و نظریه‌ی هویت در عصر جهانی شدن استوارت هال^{۱۲}، به

^۱ cultural relativism

^۲ M. Guoqing

^۳ cultural tourism

^۴ cultural reproduction

^۵ Helen Neville

^۶ symbolic interactionism

^۷ identity salience

^۸ social identity

^۹ post-modernism

^{۱۰} Identity Management Theory (IMT)

^{۱۱} Cultural Contracts Theory (CCT)

^{۱۲} Stuart Hall

عنوان مبنای نظری در بخش فهم زوایای یک کنش بازآفرینانه‌ی فرهنگی قومی و نیز در بخش تحلیل یافته‌های پژوهش، مورد استفاده قرار گرفته است.

استوارت هال، تحت تأثیر آنتونیو گرامشی و مفهوم هژمونی، بر رابطه‌ی میان معانی فرهنگی و شرایط اجتماعی تأکید می‌کند و می‌گوید از این طریق می‌توان نقش ایدئولوژیک معانی فرهنگی را شناسایی کرد. در بحث از جهانی‌شدن، به‌عنوان یک پدیده و فرآیند تاریخی نوین، هال معتقد است که جهانی‌شدن یک فرآیند پیچیده، تعارض‌آمیز و دیالکتیک است که در جریان آن بسیاری از هویت‌های فردی، قومی و ملی دچار دگرگونی‌های بنیادی شده‌اند. به نظر هال، در مدرنیته‌ی متأخر بسیاری از منابع هویتی، یعنی، طبقه، جنسیت، قومیت، نژاد، و ملیت، که در گذشته پایگاه‌های مستحکمی برای ما، به‌عنوان افرادی اجتماعی، فراهم می‌کردند، دچار ازهم گسیختگی شده‌اند. در نتیجه‌ی چنین فرآیندی است که مسأله‌ی بحران هویت پدیدار شده است (بابایی‌فرد و ساروخانی، ۱۳۹۱).

هال مفهوم مقاومت را از گرامشی به عاریت گرفته است و با توسل به آن نشان می‌دهد که عوامل و زمینه‌های گوناگون اجتماعی و فرهنگی موجب می‌شوند که افراد در برابر یکسان‌سازی فرهنگی گروه فرادست (به‌ویژه در حوزه‌ی رسانه‌های ارتباطی)، از خود مقاومت نشان دهند. به‌طور کلی، بسیاری از صاحب‌نظران حوزه‌ی مطالعات فرهنگی، به‌ویژه هال، در بررسی جامعه و فرهنگ تحت تأثیر دیدگاه‌های گرامشی بوده‌اند. آن‌ها بر این باورند که مخاطب‌های رسانه‌ها دارای آگاهی و خلاقیت هستند و نقش مهمی در برساخت معانی محصولات و تولیدات رسانه‌ها دارند. هال نیز معتقد بود که گروه‌های غالب و اکثریت در قدرت، تلاش دارند تا فرهنگ خود را به فرهنگ حاکم بدل کرده و آن را به گروه‌های حاشیه‌ای و اقلیت تحمیل نمایند و بدین وسیله به حاکمیت خود مشروعیت ببخشند. وی در بحث از جهانی‌شدن، آن را یک پدیده و فرآیند تاریخی، نوین، پیچیده، تعارض‌آمیز و دیالکتیک می‌داند که در جریان آن بسیاری از هویت‌های فردی، قومی و ملی دچار دگرگونی‌های بنیادی شده‌اند. وی نشان می‌دهد که مدرنیته نیز، همانند یک دولت ملی که ممکن است در صدد یکسان‌سازی فرهنگی برآید، قصد دارد تا هژمونی فرهنگی خود را بر جوامع مختلف تحمیل کند، اما از آنجا که اقوام و جوامع مختلف دارای علایق خاصی به منابع هویتی و فرهنگی خود هستند، به سادگی تمامی عناصر هویتی و فرهنگی خود را کنار نمی‌گذارند. حتی فرهنگ‌های محلی، این توانایی را یافته‌اند که از طریق رسانه‌های ارتباطی مختلف، خود را در معرض فرهنگ‌ها و ملت‌های دیگر قرار داده و بر آن‌ها اثرگذار

باشند. از این‌رو، امروز میان فرهنگ‌های محلی و فرهنگ جهانی نوعی تبادل برقرار شده است و همین قضیه پیچیدگی فرآیند جهانی‌شدن را بیشتر کرده است (بابایی‌فرد و ساروخانی، ۱۰۵-۱۱۵: ۱۳۹۱؛ هال، ۳۱۴-۲۷۴: ۱۹۹۶؛ هال، ۲۶۲-۲۳۹ و ۳۵۲-۳۱۹: ۱۳۸۳).

به گفته‌ی هال، در جریان جهانی‌شدن مقاومت‌هایی جهت رویارویی با قدرت همگون‌سازی فرهنگی (از پیامدهای جهانی‌شدن)، به وجود می‌آید و چنین مقاومت‌هایی باعث تقویت هویت‌های محلی و ملی می‌شوند (هم‌چون مقاومت‌هایی که در برابر سیاست یکسان‌سازی فرهنگی دولت‌ها شکل می‌گیرد و به تقویت هویت‌های محلی و قومی می‌انجامد). هال معتقد است دو جلوه از جهانی‌شدن همواره در کشاکش هستند: نخست جلوه‌ی قدیمی، مشارکتی، محصور و تدافعی که عمیقاً میل به بازگشت به موقعیت ملی و محلی‌گرایی و هویت فرهنگی محلی دارد و می‌کوشد گرد خود حصار بکشد تا از گزند زوال، ایمن بماند و دوم جلوه‌ی فرامردن جهانی، که می‌کوشد با تفاوت سر کند و هم‌زمان بر آن فائق آید یا مسلط شود، آن را مرتفع سازد یا استحاله کند. وی با آوردن شواهدی می‌خواهد این عقیده را اثبات کند که امر جهانی از طریق خاص بودن عمل می‌کند، با فضاهای خاص و قومیت‌های خاص توافق حاصل می‌کند و از طریق بسیج کردن قومیت‌های خاص و نظایر آن عمل می‌کند. بنابراین، همیشه نوعی دیالکتیک (دیالکتیکی پیوسته)، میان امر جهانی و امر محلی برقرار است و جهانی‌شدن با میانجی و به واسطه‌ی هویت‌های محلی و ملی تحقق پیدا می‌کند (هال، ۳۴۴: ۱۳۸۳). در نتیجه، بر مبنای دیدگاه هال، می‌توان گفت در فرآیند جهانی‌شدن یک رابطه‌ی دیالکتیک بین هویت فرهنگی قومی مردم عرب خوزستان و هویت‌های ملی و جهانی برقرار شده است و چنین رابطه‌ای هم دارای برخی فرصت‌ها است و هم اینکه با برخی چالش‌ها روبه‌رو شده است.

روش‌شناسی پژوهش

از آنجا که هدف این پژوهش کشف و شناخت جنبه‌های مختلف بازآفرینی هویت فرهنگی - قومی مردم عرب استان خوزستان است، شناختی کل‌نگر، ژرف و متمرکز از حیات اجتماعی مردم عرب این استان با در نظر گرفتن سیر تاریخی شکل‌گیری آن، ضروری است. بنابراین، در این پژوهش جهت دست یافتن به چنین شناختی، روش‌شناسی کیفی به‌عنوان روش‌شناسی غالب در نظر گرفته شده است. در این پژوهش، بنا به انتخاب رویکرد کیفی، فن اصلی برای جمع‌آوری داده‌ها مشاهده‌ی مشارکتی و مصاحبه‌ی عمیق

نیمه‌ساخت‌یافته با افراد مطلع کلیدی و فعالان حوزه‌ی فرهنگی و اجتماعی مرتبط با هویت فرهنگی مردم عرب خوزستان در این خصوص بوده است. همچنین، جهت تحلیل مصاحبه‌های انجام شده، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت هدف‌مند و رمزگذاری و مقوله‌بندی در تحلیل به صورت استقرایی و بر اساس واحد تحلیل «مضمون» بوده است.

در انجام این پژوهش و در بخش مصاحبه، از کارشناسان عرب استان خوزستان در شهرستان‌های اهواز، ماهشهر، سوسنگرد و خرمشهر که از شهرهای مهم استان خوزستان از نظر برخورداری از بافت قومی عربی هستند، جهت انجام مصاحبه کمک گرفته شده است. در این پژوهش تعداد ۲۰ نفر از فعالان اجتماعی، صاحب‌نظران حوزه‌ی هویت فرهنگی قومی مردم عرب استان خوزستان و یا افرادی که به طور مستقیم با فضای هویت قومی این مردم، در ارتباط هستند جهت انجام مصاحبه‌ی عمیق نیمه‌ساخت‌یافته انتخاب شدند. پیش از انجام مصاحبه بر اساس هشت پرسش اصلی پژوهش، تعداد ۴۰ پرسش طرح‌ریزی شد و مصاحبه‌شوندگان بر پایه‌ی این پرسش‌نامه‌ی از پیش تعیین شده، مورد مصاحبه واقع شدند. با توجه به این که مصاحبه‌شوندگان از شهرهای مختلف استان بوده و به موضوع هویت قومی مردم عرب خوزستان قرابت داشته‌اند و نیز از نظر سواد، جایگاه اجتماعی، سن و جنسیت متنوعی متنوع بوده‌اند، مصاحبه‌های انجام شده از نظر اشباع نظری مورد رضایت واقع شدند. اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق مصاحبه، در نهایت مکتوب گردید و سپس با خواندن مکرر آن‌ها تا رسیدن به درکی کامل جهت طراحی رمزها و مقوله‌بندی آن‌ها ادامه یافت. با توجه به موضوع پرسش‌های پژوهش، مرحله به مرحله به تعیین مضامین و فشرده ساختن آن‌ها تا تعیین رمز پرداخته شد و در صورت داشتن زمینه‌ی مشترک، رمزها ادغام شدند تا مقوله‌ها تعیین گردند. بعد از آن مفهوم کلی، که حاصل جمع‌بندی این مقوله‌هاست، به دست آمد.

اعتبار و روایی داده‌ها در این پژوهش، به کمک تکنیک‌های درگیری طولانی مدت و مشاهده‌ی مداوم^۱ پژوهش‌گر، بازبینی^۲ توسط پژوهش‌گران، بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان^۳، مثلث‌سازی نظریه^۴ و مثلث‌سازی روش^۵ (مصاحبه و مشاهده)، که از

^۱ prolonged engagement & persistent

^۲ peer debriefing

^۳ member checking

^۴ theory triangulation

^۵ method triangulation

روش‌های علمی بررسی دقت و اعتبار داده‌ها در پژوهش‌های کیفی هستند، مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است.

جدول ۱: مشخصات مصاحبه‌شوندگان پژوهش

کد پاسخگو	تحصیلات	شغل	سن	جنس	شهرستان
۱	کارشناسی	کارمند	۳۸	مرد	ماهشهر
۲	کارشناس ارشد	بازنشسته‌ی آموزش و پرورش	۶۲	مرد	ماهشهر
۳	کارشناسی	فرهنگی	۵۴	زن	ماهشهر
۴	کارشناسی	فعال اجتماعی	۲۸	زن	ماهشهر
۵	دکترای تخصصی	استاد دانشگاه	۴۳	مرد	ماهشهر
۶	دیپلم	کارمند بازنشسته	۵۶	مرد	اهواز
۷	کارشناسی	شغل آزاد	۴۱	مرد	اهواز
۸	کارشناسی	کارمند صدا و سیما	۳۹	مرد	اهواز
۹	کارشناسی ارشد	مدرس دانشگاه	۴۳	زن	اهواز
۱۰	دیپلم	کارمند بازنشسته	۵۸	مرد	اهواز
۱۱	کارشناسی	فعال اجتماعی	۳۲	مرد	سوسنگرد
۱۲	کارشناسی	فرهنگی	۲۸	زن	سوسنگرد
۱۳	دیپلم	شغل آزاد	۵۱	مرد	سوسنگرد
۱۴	کارشناسی	فعال اجتماعی	۵۵	مرد	سوسنگرد
۱۵	کارشناسی	شغل آزاد	۲۶	مرد	سوسنگرد
۱۶	کارشناسی ارشد	فرهنگی	۳۹	زن	خرمشهر
۱۷	کاردانی	کارمند	۳۴	مرد	خرمشهر
۱۸	کاردانی	کارمند راه آهن	۴۵	مرد	خرمشهر
۱۹	دیپلم	شغل آزاد	۵۲	مرد	خرمشهر
۲۰	کارشناسی	فرهنگی	۴۱	زن	خرمشهر

یافته‌های پژوهش

اکثریت قاطع کارشناسان بر این باور هستند که امروزه مردم عرب استان خوزستان نسبت به هویت قومی خود علاقه‌مند شده و برای آن وقت بیشتری صرف می‌کنند. تلاش برای صحبت کردن بیشتر و صحیح‌تر به زبان عربی، استفاده‌ی بیش‌تر از پوشش عربی، شرکت در آئین‌های قومی، احیای موسیقی عربی محلی و ... نمونه‌هایی است که کارشناسان به آن‌ها اشاره می‌کنند. آن‌ها قائل به این مهم هستند که بسیاری از مؤلفه‌های

هویت فرهنگی قومی مردم عرب خوزستان، پررنگ‌تر شده و بسیاری دست‌خوش تغییر شده یا به فراموشی سپرده شده‌اند، با این حال، آن‌ها الگوی بازآفرینی برای هویت فرهنگی قومی مردم عرب خوزستان را می‌پذیرند. این کارشناسان تشدید گرایش به هویت قومی در میان مردم عرب خوزستان را تلاش برای تثبیت خود در جامعه‌ای می‌دانند که در مقایسه با سایر هویت‌های قومی کمتر مورد پذیرش قرار گرفته‌اند.

در این پژوهش پاسخگویان به این موضوع مهم اشاره کردند که بسیاری از عرب‌های استان در تعامل با فرهنگ رسمی، بسیاری از مؤلفه‌های هویت قومی خود را از دست داده‌اند. مثلاً پاسخ‌گوی کد ۹ عنوان می‌کند که: «در تعامل با برخی دانشجویان عرب خوزستانی که اغلب شهرنشین هستند، متوجه شده‌ام که بسیاری از مؤلفه‌های قومی خود را عامدانه فراموش می‌کنند، هر چند تعلق خود به هویت قومی عربی را انکار نکرده بلکه بر آن تأکید می‌ورزند». گرچه این پاسخ‌گو هم‌زمان، همچون سایر پاسخ‌گویان، معتقد است که به‌طور کلی گرایش به احیای زبان عربی، استفاده از پوشش سنتی عربی، و شرکت در آیین‌های قومی در میان مردم عرب استان خوزستان بیش‌تر شده است.

اغلب کارشناسان بر این باور هستند که می‌توان نوعی سبک زندگی جدید در میان مردم عرب استان خوزستان را شناسایی نمود که از تعامل با فرهنگ رسمی، فرهنگ مدرن و فرهنگ‌پذیری از کشورهای عرب حاشیه‌ی خلیج فارس متأثر بوده است. در مجموع نظر کارشناسان بر این است که به واسطه‌ی زمینه‌های تاریخی، اخلاقی، اجتماعی، جهانی و کارکردی، بسیاری از مؤلفه‌های هویت قومی مردم عرب استان خوزستان تغییر کرده، حذف، یا احیاء شده‌اند و این فرآیند را هرچند آهسته، اما در حال وقوع ارزیابی می‌کنند.

کارشناس کد ۵ و ۱۶ به نقش مهم نخبگان در این زمینه اشاره می‌کنند و با ذکر مثال‌هایی از سنت‌های هویت فرهنگی مردم عرب استان (سنت رمی یا تیراندازی و ...) به اصطلاح حذف اجباری اشاره می‌کنند که موجب شده این سنت‌ها که امروزه مورد انتقاد و بازخوانی قرار گرفته‌اند، توسط بزرگان و شیوخ در بسیاری از طوایف حذف شوند. با تحلیل محتوای کلیه‌ی یافته‌ها از مصاحبه‌های صورت‌پذیرفته با کارشناسان بر اساس واحد تحلیل مضمون، می‌توان ابعاد دسته‌بندی شده در جداول ذیل را حول موضوع بازآفرینی هویت فرهنگی مردم عرب استان خوزستان، متصور شد که شامل بعد «تغییر»، «نوآوری» و «بازآوری» در مؤلفه‌های هویت قومی و نیز تشدید «واگرایی» و تقابل با فرهنگ رسمی و غالب در جامعه هستند.

جدول ۲: تغییر در مؤلفه‌های هویت قومی در بازآفرینی هویت فرهنگی مردم عرب خوزستان

تم	تغییر در مؤلفه‌های هویت قومی		
مقوله	اقتضانات اخلاقی		اقتضانات اجتماعی - تاریخی
زیر مقوله	حذف تاریخی و طبیعی	کم‌رنگ شدن و تقبیح عمومی	در تعامل با فرهنگ غالب
رمز	آئین‌ها و سنت‌ها، از جمله مبادله‌ی دختران، جایگزینی پول به جای دادن دختر در آئین فصل و ...	چندهمسری، ازدواج نهوه، قتل‌های ناموسی، سنت رمی و تیراندازی، ازدواج با دختر به‌عنوان مجازات زنا (ازدواج فصلیه) و ...	پنهان کردن عامدانه یا حذف برخی مؤلفه‌های هویتی برای کسب جایگاه بهنجار در اجتماع (تغییر نام‌خانوادگی و ...).
			کاهش اختیارات شیخ و کم‌رنگ شدن شیخ-محوری در قبایل، کاهش ایام فاتحه و تغییر در شکل برگزاری برای کاهش هزینه‌ها و ...

جدول ۳: نوآوری در مؤلفه‌های هویت قومی در بازآفرینی هویت فرهنگی مردم عرب خوزستان

تم	نوآوری در مؤلفه‌های هویت قومی		
مقوله	تعاملات بین فرهنگی		
زیر مقوله	متأثر از کشورهای عربی	در تعامل با هویت فرهنگی - رسمی	در تعامل با هویت فرهنگی مدرن
رمز	رواج استفاده از پوشش‌های عربی خاص کشورهای همسایه‌ی عربی، رواج سبک زندگی خلیجی در میان مردم عرب استان (به‌خصوص جوانان)، استفاده از قهوه، دله و فنیان در کلیه‌ی مراسم‌ها و آئین‌ها (به گونه‌ای که پیش از این مرسوم نبوده است)، برقراری موبک‌های عزاداری مذهبی عراقی (به گونه‌ای که در گذشته مرسوم نبوده	برگزاری آئین‌های نوروز تحت عنوان دوره‌السنه، شب یلدا تحت عنوان لیله چله و نیز سیزده به در، استفاده از پوشش‌های ایرانی برای زنان (مانتو و روسری و ...) و کم‌رنگ شدن پوشش عربی عبایه (به‌خصوص برای دختران جوان)، گرایش بیش‌تر به پخت غذای ایرانی و تغییر ذائقه‌ی غذایی و ...	تأثیرپذیری در ارتباط با دیگران خارج از ظرف مکان و زمان با استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، برگزاری مراسم ولنتاین (یوم‌الولنتاین) در میان قشر جوان مردم عرب استان خوزستان، ترفیع نسبی جایگاه زن تحت تأثیر زنانه شدن فرهنگ جهانی، گرایش به معماری مدرن در
			سرمایه‌ی فرهنگی و تحرک اجتماعی
			غنی‌سازی محتوایی هویت فرهنگی - قومی
			تأثیرگذار در تعامل با فرهنگ رسمی و غالب در جهت معرفی بهتر و پذیرش بیش‌تر مردم عرب استان (چاپ کتاب‌ها، تدوین پایان‌نامه‌ها و آثار هنری و ...)، برگزاری جلسات شعرخوانی ادبی به‌گونه‌ای که در گذشته مرسوم نبوده است، ارزش-گذاری بیش‌تر بر امر تحصیل فرزندان و ترفیع جایگاه تحصیلات در میان خانواده‌های عرب استان و ...

نواوری در مؤلفه‌های هویت قومی		تم
سرمایه‌ی فرهنگی و تحرک اجتماعی	تعاملات بین فرهنگی	مقوله
	ساخت منازل و ...	است، ارتباط با شعرای عراقی و تشکیل جلسات مشترک شعرخوانی فرهنگی، شکل‌گیری گروه‌های موسیقی عربی حرفه‌ای، تلاش در استفاده‌ی کامل و صحیح از زبان عربی، گرایش به شبکه‌های ماهواره‌ای عربی و تولیدات فرهنگی عراقی و ...

جدول ۴: بازآوری مؤلفه‌های هویت قومی در بازآفرینی هویت فرهنگی مردم عرب خوزستان

بازآوری مؤلفه‌های هویت قومی		تم
آزادی عمل بیشتر	ضعف کارکردی نهادی و بی‌توجهی در سیاست‌گذاری‌ها	مقوله
پذیرش بیشتر تر تکثر فرهنگی در جامعه	در جهت تثبیت هویت قومی	زیر مقوله
کانال‌ها و برنامه‌های عربی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران برای مردم عرب استان خوزستان، قوت گرفتن توریسم فرهنگی در ایران و در کانون توجه قرار گرفتن قومیت‌ها و اقلیت‌ها، آداب و رسوم، اهمیت پیدا کردن پیرامون در برابر مرکز تحت تأثیر شرایط جهانی و ارتباطی جدید و در نهایت شکل‌گیری فضایی جدید که عرب خوزستانی در گرایش به هویت قومی خویش احساس آزادی عمل بیشتر می‌کند	احساس محرومیت نسبی که موجب می‌شود افراد در گرایش به هویت قومی خویش رادیکال‌تر شوند: برگزاری و حضور بیشتر آئین‌های قومی در مقایسه با گذشته، احیای شجره‌نامه‌ها، گرایش بیشتر در استفاده از عنصرهای قومی: لباس عربی، زبان عربی، واگرایی و تلاش‌های جدایی‌طلبانه و ...	رمز
		استفاده از طوایف برای کسب موفقیت‌های سیاسی و تشابه ماهیت اجتماعات درون قبیله‌ای جدید به اجتماعات حزبی اما مبتنی بر خون و قومیت، استفاده از حمایت‌های طایفه‌ای در شرایط ضعف نهادهای قضایی و حمایتی (فصل، تطبر و ...)

جدول ۵: واگرایی و تقابل با فرهنگ رسمی در بازآفرینی هویت فرهنگی مردم عرب خوزستان

تم	واگرایی و تقابل با فرهنگ غالب و رسمی		
مقوله	احساس محرومیت نسبی		
زیر مقوله	احساس محرومیت اقتصادی	احساس محرومیت سیاسی	احساس محرومیت فرهنگی
ناسیونالیسم قومی	تفاخر به هویت قومی	تفاخر به هویت قومی	تفاخر به هویت قومی
رمز	بهره‌ی اندک مردم عرب استان از منابع نفت و گاز اقلیم خود، آبادانی شهرهای مرکزی در مقایسه با شهرها و روستاهای عرب‌نشین، عدم توسعه و فقر در میان مردم عرب استان در مقایسه با مردم کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس و ...	احساس ناتوانی در دستیابی به مشاغل و مناصب مهم و رده‌های بالا، علی‌رغم دستیابی به فرصت‌های آموزشی برابر، ناتوانی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و منطقه‌ای برای اقلیم خود، برخورد قهری حاکمیت با اعتراضات صنفی، اقتصادی و اجتماعی و ...	عدم آزادی عمل و عدم وجود حمایت کامل در جهت هویت‌یابی فرهنگی، فقر فرهنگی در شهرهای عرب‌نشین استان، عدم دسترسی برابر به امکانات فرهنگی در مقایسه با شهرهای دیگر کشور و ...

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، بر اساس رویکرد کنش متقابل نمادین، به این نکته‌ی مهم از هویت تأکید شد که شکل‌گیری هویت در تعامل با دیگران، در جریان اجتماعی شدن و در جریان تعامل‌های بینابینی، تحت تأثیر هنجارهای فرهنگی، موقعیت‌ها و توقعات اجتماعی، به‌وجود می‌آید و به‌واسطه‌ی آنکه تحت تأثیر ارزش‌ها، ساخت‌ها، قواعد، نظام‌های کنترل اجتماعی، تجارب و فعالیت‌های اجتماعی است، متغیر است. هم‌چنین، با در نظر گرفتن این مهم که به‌واسطه‌ی تعامل هویت و ساختار اجتماعی، ماهیت قراردادی هویت و پدیده‌ی جهانی شدن و پیامدهای آن، سخن گفتن از هویت ترکیبی بیش از هر چیز به واقعیت نزدیک‌تر می‌نماید، از این‌رو، افراد در جامعه دارای هویت‌های ترکیبی، چند بعدی، متعدد، چند مرکزی، متغیر و متحولی هستند که در جریان فرآیند اجتماعی شدن و تعاملات بینابینی بر اساس صیانت از منافع، بر ساخت می‌شوند.

این هویت ترکیبی، در ایران برای مردم عرب استان خوزستان، می‌تواند متشکل از قالب‌های نسبتاً معمول هویت قومی عربی، هویت ملی ایرانی، هویت مدرن و هویت اسلامی

- شیعی و یا زمینه‌های نسبتاً به‌خصوص و متنوع فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مکان - فضایی دیگر باشد. این لایه‌های هویتی متنوع و درهم‌تنیده، با اتکاء به نظریه‌ی برجستگی هویت، دارای سلسله‌مراتبی هستند که می‌توانند در قالب هویت‌های چندگانه توسط فرد اتخاذ شوند، اما ممکن است وابسته به شرایط ارتباطات بینابینی و نیز محدودیت‌های ساختاری، یکی از آن‌ها در درجه‌ی بالاتری از سلسله‌مراتب قرار گرفته و نسبت به لایه‌های دیگر برجسته شده و مورد برآزش فرد یا گروه قرار گیرد. اگر چه این وضعیت می‌تواند انطباق، سازگاری و هماهنگی با سایر لایه‌های هویتی را در خود حفظ نماید و از آن تحت عنوان درهم‌آمیختگی هویت (هم‌گرایی) یاد شده است، اما قادر است زمینه‌ساز جنبه‌های خاص تقابل (واگرایی) در جامعه و نیز بحران هویت در مقام فردی نیز بشود.

هویت فرهنگی قومی مردم عرب استان خوزستان، به‌عنوان بعدی از هویتی چندتکه، حامل چنان نوعی از اعتماد به نفس و اهمیت عاطفی و احساسی برای گروه قومی مردم عرب استان خوزستان است که بتواند سایر ابعاد هویتی آن‌ها را تحت‌الشعاع قرار دهد و این مهم در این چهارچوب نظری قابل تبیین به نظر می‌رسد. این هویت فرهنگی قومی - عربی برجسته، براساس نظریات ذکر شده ذیل مفاهیم هویت، هویت فرهنگی و هویت قومی، تحت تأثیر تعامل‌های روزمره‌ی بینابینی و نیز ساختارها و نهادهای اجتماعی، به‌طور مداوم در حال ساخت و بازآفرینی است.

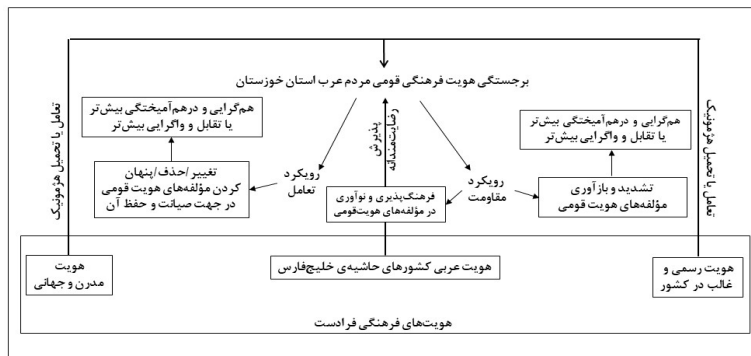
در بعد بازآفرینی هویت فرهنگی، با اتکاء به نظریه‌ی مدیریت فرهنگی، می‌توان عرب خوزستانی را در فرآیندی تعاملی با فرهنگ غالب و رسمی در جامعه، و نیز با هویت فرهنگی مردم کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس و فرهنگ و ارزش‌های جهانی، دانست که طی این فرآیند تعاملی با برساخت نوعی از هویت ارتباطی اشتراکی برای ادامه‌ی حیات مسالمت‌آمیز مواجه هستیم. این تعامل، دو سویه، دیالکتیک و چرخه‌ای است و نیز بر اساس نظریه‌ی قرارداد فرهنگی، می‌تواند تحمیلی و سرکوب‌گرانه نیز باشد. بر این اساس، هویت فرهنگی قومی عرب خوزستانی ممکن است به‌واسطه‌ی قراردادهای فرهنگی تحمیلی، سرکوب شود و برخی مؤلفه‌های هویت فرهنگی قومی خویش را در تعامل با فرهنگ‌های فرادست، دچار تغییر و یا حذف بیابد؛ اگر چه هویت فرهنگی قومی او، هم‌چنان وجود دارد.

همچنین، هویت اشتراکی نیز می‌تواند به مرور زمینه‌ی این تغییر در هویت فرهنگی قومی مردم عرب استان خوزستان را فراهم آورد. این تغییرات در تعامل با هویت فرهنگی

کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس، رضایت‌مندان، عاطفی، احساسی و در مسیر تقویت هویت فرهنگی قومی آن‌ها است. در حالی که در تعامل با فرهنگ جهانی و فرهنگ رسمی و غالب در جامعه، می‌تواند تحمیلی و با اتخاذ رویکرد مقاومت توسط هویت فرهنگی قومی همراه باشد، به این معنا که با اتخاذ رویکرد تعاملی، ضمن پذیرش واقعیات اخلاقی، اجتماعی و ساختاری، شرایط حذف یا تغییر ناگزیر برخی مؤلفه‌های هویت فرهنگی قومی مردم عرب استان خوزستان فراهم می‌شود (هر چند که از سوی دیگر موجب رسمیت‌بخشی به دیگر مؤلفه‌های آن می‌گردد)، و توأمان با اتخاذ رویکرد مقاومت، موجب تأکید بیشتر بر ارزش‌های مذهبی، سنتی و عرفی و بازآوری برخی مؤلفه‌های هویت فرهنگی قومی مردم عرب استان خوزستان می‌شود.

حتی پذیرش رضایت‌مندانگی برخی از مؤلفه‌های هویت عربی کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس را نیز می‌توان بخشی از این دگرگونی مقاومت دانست. این تعارض منافع مابین رویکرد هژمونیک فرهنگ غالب، و نیز رویکرد مقاومتی فرهنگ حاشیه‌ای، لزوماً به معنای وجود بحران یا معارضه‌ی هویتی نیست، بلکه به واسطه‌ی ویژگی دیالکتیک، چرخه‌ای و تکرارپذیری، می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری هویت ارتباطی اشتراکی جدید با شرایط منصفانه‌تر اما ناپایدار شود. بنابراین، همواره خطر واگرایی، تقابل و معارضه وجود دارد.

در مجموع، می‌توان قائل به حیات فرآیندی نوعی از بازآفرینی هویت فرهنگی قومی برای مردم عرب استان خوزستان بود که در تعامل با هویت‌های فرهنگی فرادست، در تلاش مداوم برای تعامل و مقاومت در جهت حفظ و صیانت از فرهنگ خودی است که تغییر، نوآوری و یا بازآوری مؤلفه‌های هویت قومی را با خود به همراه دارد. این فرآیند پیوسته و در حال تجدید است و قراردادهای فرهنگی نانوشته و چانه‌زنی‌های فرهنگی ناملموس، شرایط تعامل را تغییر می‌دهند (اشاره به تز، آنتی‌تز و سنتز در فرآیند دیالکتیک). اما به دلیل وجود ریسک همیشگی تقابل و معارضه، دارای ماهیتی لرزان و نامطمئن نیز هست.



شکل ۱: شماتیک فرآیند بازآفرینی هویت فرهنگی قومی مردم عرب استان خوزستان

بنابراین تقلیل الگوی کنش فرهنگی مردم عرب استان خوزستان به کنشی واگرایانه و یا هم‌گرایانه با فرهنگ غالب، دور از واقعیت و نادیده گرفتن ماهیت دیالکتیک آن است؛ و در مقابل، اتکاء به نظریه‌ی بازآفرینی هویتی، با ویژگی‌های مذکور، نزدیک‌ترین توصیف ممکن برای تبیین الگوی کنش فرهنگی مردم عرب این استان است. همچنین، در این پژوهش، متغیرهای گردش‌گری فرهنگی و تعامل‌های بیش‌تر با مردم عراق، استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، ضعف کارکردی نهادهای مدنی و کاهش سیطره‌ی حکومت مرکزی، پذیرش بیشتر تکثر فرهنگی از سوی فرهنگ غالب در جامعه، رشد سرمایه‌ی فرهنگی و تحرک اجتماعی زنان و مردان عرب استان خوزستان، احساس محرومیت نسبی و بی‌توجهی در سیاست‌گذاری‌ها نسبت به قومیت عرب در این استان و نیز کانال‌ها و برنامه‌های رسانه‌ی ملی برای مردم عرب استان خوزستان، در شکل‌گیری الگویی از بازآفرینی فرهنگی در میان خرده‌فرهنگ مردم عرب این استان، به‌عنوان مبنای انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته، در نظر گرفته شدند که بررسی پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان نتایج تفصیلی ذیل را به همراه داشت:

۱- توریسم فرهنگی در جهان و در کشور، بخش مهمی از صنعت توریسم شده است که جلوه‌ها و جنبه‌های متعددی دارد. در درون کشور، برگزاری جشنواره‌های متعدد و مستمر فرهنگی اقوام، فرصت بی‌بدیلی برای قومیت‌ها ایجاد نموده است تا نسبت به بازآفرینی هویت فرهنگی - قومی خویش اقدام نمایند. از آن جمله می‌توان به تشکیل گروه‌های فرهنگی متعدد در میان مردم عرب استان خوزستان اشاره نمود که علاوه بر نمایش و احیاء سنت‌ها و مؤلفه‌های قومی خویش نسبت به اعمال تغییرات زیباشناختی در

آن‌ها برای جلب نظر بیشتر مخاطبان اقدام نموده‌اند. این تغییرات زیباشناختی عمدتاً تحت تأثیر فرهنگ مردم عرب کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس بوده است. همچنین، در شهرها و روستاهای توریستی استان خوزستان، با ایجاد فضای گردشگری که محوریت آن معرفی هویت قومی مردم عرب استان خوزستان است به جذب توریست و کسب درآمد پرداخته‌اند که این مهم نیز هم در احیاء مؤلفه‌ها و سنت‌های قومی آن‌ها و هم در شناساندن و تثبیت جایگاه هویت فرهنگی خویش در برابر هویت رسمی و غالب در کشور بهره برده‌اند. و این امر افزایش اعتماد به نفس و اطمینان آن‌ها نسبت به هویت فرهنگی قومی‌شان را به همراه داشته است و از آن حیث که چنین رخدادی تبادل و تعامل فرهنگی را به دنبال دارد، می‌تواند زمینه‌ساز نوعی از هم‌گرایی و هم‌بستگی با هویت ملی باشد. این یافته‌ها در تأیید یافته‌های پژوهش‌های محدود صورت گرفته در این زمینه (از آن جمله دنگ ژنگلای، ۲۰۱۱؛ صفرآبادی و همکاران، ۱۳۹۵) و در تأیید سخن نظریه‌پردازان حوزه‌ی توریسم فرهنگی است که بر این باورند این رخدادها در زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی منجر به احیاء اصالت قومی، محافظت فرهنگی و هنجارهای فرهنگی می‌شود (موسکاردو، ۱۳۹۷؛ ریچاردز، ۲۰۰۷).

بر اساس یافته‌های پژوهش، تعامل‌های مردم عرب استان خوزستان با مردم کشور عراق پیشینه‌ای تاریخی دارد، به گونه‌ای که خود را پیش از آن که عضوی از ملیت ایرانی بدانند، بخشی از ملت عرب می‌خوانند، که از این حیث دارای اشتراک با مردم عرب کشورهای همسایه و حاشیه‌ی خلیج فارس هستند. وجود زمینه‌های اشتراکی دیگر از جمله گویش یکسان با مردم عراق، ارتباطات خونی، مذهب مشترک و وجود مرز زمینی با این کشور و غیره، موجب شده است که هویت فرهنگی قومی مردم عرب استان خوزستان دارای قرابت بیشتری با هویت فرهنگی مردم عرب کشور عراق باشد (به نسبت سایر کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس). پس از فروپاشی رژیم بعثی در عراق، ارتباط مردم عرب خوزستان و مردم عرب کشور عراق تسهیل شده است. این ارتباطات در ابعاد مختلف (توریسم فرهنگی، همچون سفرهای زیارتی، پیاده‌روی اربعین، توریسم پزشکی، مبادلات تجاری و اقتصادی خرد و کلان، وصلت‌های خانوادگی و غیره)، زمینه را برای نوعی از فرهنگ‌پذیری ایجاد نموده است که طی آن مردم عرب استان خوزستان از مردم عرب کشور عراق تأثیر پذیرفته‌اند (به‌واسطه‌ی وجود شواهد متعدد، از جمله احیاء مؤلفه‌های هویتی عربی، همچون زبان، گویش، لباس، موسیقی، آئین‌های سنتی و مذهبی و غیره). این مهم نیز موجب بازآوری، تغییر و نوآوری در مؤلفه‌های هویت فرهنگی مردم عرب

استان خوزستان شده است. موارد ذکر شده از آن حیث که وجوه اشتراکی با هویت ملی را کم‌رنگ‌تر نموده و در مسیر تمایز بیشتر با آن قرار دارد، می‌تواند زمینه‌ساز گرایش‌های واگرایانه نیز باشد. این مهم در تأیید یافته‌های پورزیتانی (۱۳۸۸) است که هر چه گستره‌ی تعامل‌های درون‌قومی بیشتر شود، گرایش به هویت ملی ضعیف‌تر می‌شود، چرا که اعراب خوزستان گستره‌ی تعامل‌های خود را به نفع حفظ بقا و انسجام خود افزایش داده و این تعاملات کارکردی تدافعی (مقاومتی) دارند.

۲- ضعف کارکردی نهادهای مدنی در کشور، به‌خصوص در مناطقی همچون مناطق عرب‌نشین خوزستان که نهادهای سنتی همچنان دارای کارکرد هستند، عامل مهمی در بازآفرینی هویت قومی مردم عرب استان خوزستان در مناطق شهرنشین و یا روستایی شده است، به این معنا که به‌واسطه‌ی کارکرد نهادهای سنتی قومی در حل و فصل تنازعات و در حمایت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از افراد، زمینه‌ی بازتولید و بازآوری مؤلفه‌های هویت فرهنگی قومی مردم عرب استان خوزستان فراهم شده، اما در شکل و ماهیت آن‌ها تغییر و نوآوری‌هایی پدید آمده است (از جمله: حیات دوباره‌ی نهاد فصل و اجبار به استفاده از آن - تطبر - به دلیل ضعف کارکردی نهادهای قضایی و انتظامی که با تغییرهای متعدد همچون رعایت ضرورت‌های اخلاقی و اجتماعی جدید همراه بوده است، بازگشت به شجره‌نامه‌ها و جلسات طوایف و عشایر و عضویت در صندوق‌های مالی حمایتی عشایر، با نوآوری‌های متعدد همچون تغییر نقش حاکمیتی شیوخ به نقش ریش‌سفیدی و غیره). همچنین، کاهش سیطره‌ی حکومت مرکزی، به‌طور نسبی و نه به‌واسطه‌ی ضعف حکومت مرکزی، بلکه به دلیل شرایط جهانی در جهت تقویت هویت‌های محلی و قومی، ناگزیر شرایط را برای بازآفرینی هویت فرهنگی قومی مردم عرب استان خوزستان تسهیل نموده است. این نتایج با پژوهش‌های دغاغله (۱۳۸۳)، کریم‌زاده (۱۳۸۸) و بنی‌سعید (۱۳۷۴)، در یک راستا قرار دارد.

۳- پذیرش بیشتر تکثر فرهنگی از سوی فرهنگ غالب جامعه، در دو بعد سیاست‌گذاری‌های حکومتی و نیز تعامل‌های بینابینی ارزیابی شد و نتیجه‌ی حاصل شده نشان می‌دهد که فضای عمومی در جامعه‌ی متکثر ایرانی به‌طور نسبی، از جامعه‌ای وحدت‌گرا به سمت جامعه‌ای کثرت‌گرا (به‌خصوص در مواجهه با اقلیت قومی مردم عرب استان خوزستان) در حرکت است. علل این پدیده: ۱. تلاش‌های مردم و نخبگان عرب خوزستان - و سایر اقوام - در تثبیت هویت قومی خویش؛ ۲. شرایط جهانی که تأکید و اهمیت بیشتر بر هویت اقوام و خرده‌هنگ‌ها را به دنبال داشته؛ و ۳. تغییر مکانیزم‌های

هژمونیک فرهنگ غالب در کشور به سمت پذیرش تنوع قومی بوده است، که در مجموع به واسطه‌ی افزایش اطمینان و اعتماد به نفس قومیت‌ها، پذیرش تفاوت‌های فرهنگی و اعطای فرصت‌های فرهنگی نسبتاً برابر، زمینه را برای بازآفرینی هویت فرهنگی قومی مردم عرب استان خوزستان فراهم آورده است. این نتایج در تأیید رویکردهای مشابه در سایر کشورها و نیز پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص نتایج آن بر قومیت‌ها، است (بابایی‌فرد، ۱۳۹۲)، گر چه نتایج پژوهش حاکی از پابرجایی زمینه‌های متعدد تبعیض و وجود فرصت‌های نابرابر است، اما به دلایل ذکر شده، حرکت کلی جامعه (حداقل در تعامل با اقلیت قوم عرب) به سوی نوعی از کثرت‌گرایی ارزیابی می‌شود.

۴. کانال‌ها و برنامه‌های تلویزیونی محلی (عربی) سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، اگر چه از نظر کیفی و کمی نتوانسته‌اند که همه‌ی نیازها و خواسته‌های مردم عرب خوزستان در پرداختن به موضوعات مورد علاقه‌ی ایشان (از جمله: عدم ساخت آثار فاخر، توجه کمتر به مسائل زندگی اجتماعی عرب‌های شهرنشین و نیز بازاندیشی فرهنگی انتقادی و غیره) را پوشش دهند، اما در تثبیت، حفظ و احیای فولکلور عربی، آداب و رسوم سنتی مردم عرب استان خوزستان و نیز تلفیق آن با مظاهر جدید (از جمله عناصر زیباشناختی، ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی جدید و غیره) نقش مهمی ایفا نموده‌اند و از این طریق زمینه‌ی بازآفرینی هویت فرهنگی مردم عرب استان خوزستان را فراهم کرده‌اند. این نتایج در تأیید نتایج پژوهش صورت گرفته توسط ابروانی (۱۳۹۴) است، که به بررسی تأثیر برنامه‌های تلویزیون استانی بر سبک زندگی مردم عرب استان خوزستان پرداخته است.

۵. سرمایه‌ی فرهنگی و تحرک اجتماعی زنان و مردان عرب استان خوزستان، نه تنها گرایش‌ها به هویت قومی را کم نمی‌کند بلکه در جهت بازآفرینی هویت فرهنگی - قومی آن‌ها (شامل احیاء مؤلفه‌های هویتی، بازخوانی انتقادی نسبت به برخی مؤلفه‌ها به دلایل متعدد اخلاقی و اجتماعی و معرفی بیشتر هویت فرهنگی قومی آن‌ها به واسطه‌ی ارتباط بیشتر با هویت فرهنگی غالب و رسمی در جامعه) مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مهم در تأیید پژوهش‌های متعدد (از جمله قییم، ۱۳۸۰؛ عبداللهی، ۱۳۷۷؛ محمدی، ۱۳۹۷) مبنی بر نقش سرمایه‌ی فرهنگی در بازیابی هویت‌های ملی، محلی و قومی است.

۶. احساس محرومیت نسبی و بی‌توجهی نظام سیاسی به هویت‌های فرهنگی قومی در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی کلان و خرد، تأثیرات واگرایانه در ارتباط با هویت فرهنگی مردم عرب خوزستان با فرهنگ غالب و رسمی در کشور داشته است و به برجستگی هویت

قومی آن‌ها منجر شده است. علیرغم آنچه از عملکرد حکومت مرکزی در سیاست‌گذاری‌ها نسبت به اقوام، به خصوص در میان مردم عرب استان خوزستان در سال‌های اخیر برمی‌آید، توجه به اقوام در سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان در اکثر حوزه‌ها پررنگ‌تر شده است. اما به دلایل وجود احساس محرومیت نسبی و سابقه‌ی تاریخی تلاش حکومت‌های مرکزی در استحاله‌ی هویت قومی این مردم، هم‌چنان این فضا ناکافی و کم نتیجه به نظر می‌رسد. هم‌چنین، احساس محرومیت نسبی در میان مردم عرب استان خوزستان همواره در ابعاد اقتصادی (تبعیض در برخورداری از منابع اقتصادی و مالی)، سیاسی (تبعیض در اعمال حقوق سیاسی و دسترسی به مناصب اداری و سیاسی) و فرهنگی (تبعیض در پیگیری علایق فرهنگی یا ابراز و اجرای رسوم و ارزش‌های فرهنگ قومی) دارای موضوعیت بوده و هست. این محرومیت نسبی، هم در مقایسه با سایر نقاط کشور و هم در مقایسه با وضعیت کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس، ریشه دارد. از این‌رو، می‌تواند زمینه‌ساز گرایش‌های واگرایانه و یا مقاومتی، از جمله برجستگی هویت قومی، گردد که زمینه‌ساز نوعی از بازآفرینی هویت فرهنگی قومی در میان مردم عرب استان خوزستان بوده است. این نتایج در تأیید پژوهش‌های متعدد در حوزه‌ی هویت قومی مردم عرب استان خوزستان است که اغلب متغیر احساس محرومیت نسبی، بی‌توجهی نظام سیاسی و نتایج واگرایانه‌ی آن‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند.

پیشنهادهای پژوهش

موضوع و یافته‌های پژوهش، ضرورت ایجاد یک سیاست‌گذاری راهبردی جدید در تعامل با هویت فرهنگی قومی مردم عرب خوزستان را بیش از پیش ضروری می‌انگارد که باید ماهیت آن بیش از گذشته مبتنی بر فهم متقابل باشد. در این راستا، در بعد سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، برای کاهش تقابل بین هویت فرهنگی قومی مردم عرب خوزستان با دیگر لایه‌های هویتی ایرانی، به‌ویژه هویت ملی، باید اقدامات زیر انجام شود:

۱. به رسمیت شناختن کنش بازآفرینانه‌ی هویت فرهنگی قومی مردم عرب استان خوزستان توسط فرهنگ رسمی و غالب در جامعه صورت پذیرد (پرهیز از تلقی‌های واگرایانه‌ی صرف که در نحوه‌ی تعامل و سیاست‌گذاری‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی سایه افکنده است و یا تلقی‌های ساده‌انگارانه‌ی هم‌گرایی با تکیه بر جمعیت راهپیمایان و یا رأی‌دهندگان).

۲. تلاش برای حفظ هویت فرهنگی مردم عرب استان خوزستان، به‌عنوان گنجینه‌ی ارزشمند فرهنگی ملت ایران، در مواجهه با تغییرات زیباشناختی، یا تغییرات به واسطه‌ی تعاملات بینابینی با فرهنگ غالب و فرهنگ جهانی صورت پذیرد (حمایت از موزه‌ها، جشن‌ها و پارک‌های قومی کارآمد با هدفی فراتر از درآمدزایی از توریسم فرهنگی - بدون جهت‌دهی‌های نیت‌دار و فراتر از افعال بخش‌نامه‌ای، و یا حفظ سرمایه‌های تاریخی، هویتی و اقلیمی محلی و ...).
۳. توجه بیشتر رسانه‌ی ملی به تقویت برنامه‌های عربی برای مخاطب عرب خوزستانی (در ابعاد کمی و کیفی)، در جهت کاربست جنبه‌های مثبت کنش بازآفرینانه‌ی فرهنگی مردم عرب این استان برای آبادانی شهر، استان و کشور، صورت پذیرد.
۴. محرومیت‌زدایی از مناطق عرب‌نشین استان خوزستان و رفع زمینه‌های تبعیض و تسهیل در جهت شکل‌گیری و فعالیت آزادانه‌ی احزاب و سازمان‌های مردم‌نهاد (غیر فرمایشی در زمینه‌های متنوع) در جهت کاربست جنبه‌های مثبت کنش بازآفرینانه‌ی فرهنگی مردم عرب این استان برای آبادانی شهر، استان و کشور، صورت پذیرد.
۵. ساخت فیلم‌ها و سریال‌هایی از شخصیت‌ها و رخداد‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی استان خوزستان و نمایش آنها در رسانه‌ی ملی جهت شناسایی بیشتر هویت و فرهنگ این بخش از ایران و همچنین ایجاد احساس تعلق بیشتر مردم عرب خوزستان با نظام سیاسی و فرهنگ ملی.

فهرست منابع:

- اکوانی، سید حمداله (۱۳۸۷). "گرایش به هویت ملی و قومی در عرب‌های خوزستان"، فصل‌نامه‌ی مطالعات ملی، سال نهم، شماره‌ی ۳۶.
- ایروانی، بیژن (۱۳۹۴). بررسی تأثیر برنامه‌های تلوزیونی استانی بر سبک زندگی مردم عرب استان خوزستان. پایان‌نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران.
- بابایی‌فرد، اسداله (۱۳۹۲). بحران هویت در جامعه‌ی معاصر ایران: رویکردی تاریخی، تجربی، تهران، انتشارات چاپخش.
- بابایی‌فرد، اسداله (۱۳۹۳). بحران هویت در جامعه‌ی معاصر ایران: رویکردی نظری، تهران، انتشارات چاپخش.
- بابایی‌فرد، اسداله؛ ساروخانی، باقر (۱۳۹۱). اینترنت، جهانی‌شدن و هویت فرهنگی جوانان در ایران: چالش‌ها و فرصت‌ها، تهران، انتشارات دیدار.
- برتون، رولان (۱۳۸۰). قوم‌شناسی سیاسی، ترجمه‌ی ناصر فکوهی، تهران، نشر نی.
- بنی‌سعید، سید عبدالامام (۱۳۷۴). شناخت فصل به‌عنوان نهاد اجتماعی - خاستگاه و کارکردهای آن در جامعه‌ی سنتی عشایری عرب استان خوزستان، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی اراک.
- بنی‌سعید، سید عبدالامام (۱۳۹۴). فرهنگ عامیانه‌ی مردم عرب استان خوزستان، اهواز، نشر تراوا.
- پورزیتانی، شیدا (۱۳۸۸). بررسی هویت جمعی غالب در بین اعراب خوزستان، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۷۷). درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، نشر مرنندیز.
- توسلی، غلامعباس؛ قلی‌پور، سیاوش (۱۳۸۶). "جهانی‌شدن و هویت فرهنگی قوم لک"، فصل‌نامه‌ی جامعه‌شناسی ایران، سال هشتم، شماره‌ی ۳.
- جعفرزاده‌پور، فروزنده؛ حیدری، حسین (۱۳۹۳). "فراتحلیل رابطه‌ی هویت ملی و هویت قومی در ایران"، فصل‌نامه‌ی راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال سوم، شماره‌ی یازدهم، ۶۳-۹۶.

- حاجیان، ابراهیم (۱۳۸۷). "نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی"، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۳ و ۴.
- حیدری، حسین؛ شاوردی، تهمینه (۱۳۹۲). "شبکه‌های اجتماعی مجازی و قومیت، فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌رو"، فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های ارتباطی، سال بیستم، شماره‌ی ۴، ۳۷-۶۴.
- دغاقله، عقیل (۱۳۸۳). بررسی تغییرات هنجارهای اجتماعی مردم عرب خوزستان و عوامل مؤثر بر شدت هنجار در سطح فرد، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.
- دلفیه، هاشم (۱۳۹۴). بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت قومی با تأکید بر فیسبوک، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- دمادم، زیبا (۱۳۹۱). تأثیر استفاده‌ی ماهواره بر هویت فرهنگی جوانان مورد مطالعه شهرستان شوش، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- زندیه، زهره؛ خانیکی، هادی (۱۳۹۸). "طراحی الگوی کارکردهای متنوع شبکه‌های اجتماعی مجازی در ارتباطات میان فرهنگی قومی"، فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های ارتباطی، سال ۲۶، شماره‌ی ۱.
- شایگان، داریوش (۱۳۸۰). افسون‌زدگی جدید (هویت چهل‌تکه و تفکر سیار)، ترجمه‌ی فاطمه ولیانی، تهران، نشر فروزان.
- شولت، جان آرت (۱۳۸۲). "جهانی‌شدن و امنیت (نامنی)"، فصل‌نامه‌ی مطالعات راهبردی، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۲۲.
- صفرآبادی، اعظم؛ یوسفی، ابراهیم؛ مؤیدفر، سعیده؛ شاه‌زیدی، سمیه‌سادات (۱۳۹۵). "مقاصد نوظهور گردش‌گری شهری با تأکید بر جاذبه‌های اجتماعی - فرهنگی قومیت در مطالعه‌ی موردی شهر کرمانشاه"؛ فصل‌نامه‌ی مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال ۶، شماره‌ی ۱۹.
- عبداللهی، محمد (۱۳۷۷). "بحران هویت جمعی دینامیسم و مکانیسم تحول آن در ایران"، نامه‌ی انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره‌ی اول.
- قنبری برزیان، علی؛ جلایی‌پور، حمیدرضا؛ شاوردی، تهمینه (۱۳۹۱). "پذیرش ارزش‌های جهانی در میان ایرانیان عرب زبان - اعراب خوزستان"، فصل‌نامه‌ی مطالعات و

تحقیقات اجتماعی، دوره‌ی اول، شماره‌ی ۳.
 قییم، عبدالنبی (۱۳۸۰). "نگاهی جامعه‌شناختی به زندگی و فرهنگ مردم عرب خوزستان"، فصل‌نامه‌ی مطالعات ملی، شماره‌ی ۷.
 کریم‌زاده، علی (۱۳۸۸). چالش‌های هویتی و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران با نگاهی به استان خوزستان، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
 محمدی، فردین (۱۳۹۷). "سرمایه‌ی فرهنگی و هویت جمعی"، فصل‌نامه‌ی راهبرد فرهنگ، شماره‌ی ۴۴.
 موسکاردو، جانا (۱۳۹۷). ظرفیت‌سازی جوامع محلی برای توسعه‌ی گردشگری، ترجمه‌ی حمید ضرغام بروجنی، تهران، نشر مه‌کامه.
 هال، استوارت (۱۳۸۳). بومی و جهانی؛ جهانی‌شدن و قومیت، ترجمه‌ی بهزاد برکت، فصل‌نامه‌ی ارغنون، شماره‌ی ۲۴.
 هال، استوارت (۱۳۸۳). هویت‌های قدیم و جدید، قومیت‌های قدیم و جدید، ترجمه‌ی شهریار وقفی‌پور، فصل‌نامه‌ی ارغنون، شماره‌ی ۲۴.

Brewer, Marilym, B; Masaki, Y. (2007). Culture and Social Identity, Handbook of Cultural Psychology, the Guilford Press.

Brewer, Marilynn; Iles, Hewstone (2004), Self and Social Identity, Blackwell.

Collier, M. J.; Thomas, M. (1988). "Cultural Identity- An Interpretive Perspective, In Y. Y. Kim & W. B. Gudykunst (Eds.), Theories in Intercultural Communication", International and Intercultural Communication Annual, Vol 12, 99-120.

Daphne, J. (2007). "Reconceptualizing Cultural Identity and its Role in Intercultural Business Communication", Journal of Business Communication, Volume 44, Number 3, 199-235.

Drummond, D.; Mark O. (2010). "Cultural Contracts: Negotiating a Ubiquitous U.S. Dominant Worldview on Race and Ethnicity", Journal of Communication Studies, Vol. 61, No. 4, 373-390.

Gurr, T. R. (1967). Psychological Factors in Civil Violence, London: World Politics.

Guzel, M. (2019). "Ethnic-Cultural Identities of Kazan Residents", *Russian Social Science Review*, 60:1, 32-55.

Hall, S. (1996). *The Question of Cultural Identity*, in: Stuart Hall, David Held and Tony Mc Grew; *Modernity and in Futures: Understanding Modern Societies, An Introduction*, United Kingdom and United States of America, Polity Press in association with Blackwell Publishers.

Hecht, M.; M. J. Collier, Sidney R. (1993). *African American Communication- Ethnic Identity and Cultural Interpretation*, Newbury Park, CA: Sage.

Imahori, T. T; W. R. Cupach (2005). "Identity Management Theory: Facework in Intercultural Relationships", In: W. B. Gudykunst (Ed.), *Theorizing Intercultural Communication*, pp. 195-210.

Jackson, R. L.; Branden, E. (2017). "Cultural Contracts Theory", *Communication Education*, 65 (2), 245-249.

Neville, Helen, A; Kathleen, E. Oyama; Latifat; O. Odunewu (2014). "Dimensions of Belonging as an Aspect of Racial-Ethnic-Cultural Identity: An Exploration of Indigenous Australians", *Journal of Counseling Psychology*, Vol 61, No 3, 414-426.

Richards, G. (2007). *Cultural Tourism: Global and Local Perspectives*, Haworth Press, Binghamton, New York.

Striker, S. (1992). *Identity Theory* in *Encyclopedia of Sociology*, edited by: E. F. Borgatta and M. L. Borgatta, Macmillan.

Strizhakova, Y.; Coulter, R. (2019). "Consumer Cultural Identity: Local and Global Cultural Identities and Measurement Implications", *International Marketing Review*, 54 (4), 177-190.

Waters, Malcolm (2001). *Globalization*, New Delhi, Routledge.

Zhenglai, D. (2011). *Globalization and Localization-The Chinese Perspective*, World Scientific Publishing Co. Pte. Ltd.

Re-Creating the Ethnic Cultural Identity among the Arab People of Khuzestan

Seyed Moein Mousavi Seresht¹, Asadollah Babaei Fard (Ph.D)²

DOI: 10.22055/qjsd.2022.38115.2480

Abstract:

Investigating cultural issues in multi-ethnic and multicultural societies is a necessity to reduce cultural divergences and realize social solidarity. Considering the emergence of some ethnic divergences in contemporary Iran, it is necessary to investigate such a phenomenon in the context of Iranian society. The ethnic cultural identity of the Arab people of khuzestan province has characteristics of cultural particularism and generalism, and today it has undergone a kind of re-creation. In this research, in order to identify the dimensions of this identity reconstruction, interviews were conducted with 20 experts in the field of cultural identity of the Arab people of khuzestan province. In this research, the method of qualitative content analysis based on theme analysis has been used. In general, the findings of the research about some of the most important variables affecting the re-creation of ethnic identity among the arab people of khuzestan province include: the functional weakness of civil institutions, the reduction of the cultural control of the central government, cultural tourism, greater acceptance of cultural pluralism, programs of local television channels (arabic) of iran broadcasting organization, growth of cultural capital, social mobility, feeling of relative deprivation and indifference of the political system to ethnic cultural identities in cultural policies. These variables indicate the existence of four dimensions of creative action in the studied society: "change", "innovation", "restoration" in the components of ethnic identity and the intensification of "divergence" and confrontation with the official and dominant culture in the society.

Key Concepts: *Cultural Identity, Identity Reconstruction, Globalization, feeling of Relative Deprivation, Khuzestan Arabs*

¹ Master of Cultural Studies, Kashan University, Kashan, Iran, s.moein.musavi@gmail.com

² Associate Professor, Department of Social Sciences, Kashan University, Kashan, Iran (Corresponding Author), babaiefardm@gmail.com

